



Scientific Journal of

Sustainable Development of Geographical Environment



Vol. 8, No. 18, Autumn 2026

Original Article

Analysis and Investigation of Spatial Justice in Rural Settlements of Savadkuh and North Savadkuh Counties, Mazandaran Province

Vakil Heidari Sarban^{1*} , Arastoo Yari Hesar¹ , Bahram Imani¹ , Ayyoub Amani¹

¹. Department of Urban and Rural of Geography, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardebily University, Ardebil, Iran

Abstract

Introduction: Spatial justice, as one of the fundamental principles of sustainable development, refers to the equitable distribution of opportunities, resources, services, and facilities in geographical space, along with inclusive decision-making processes and respect for the diversity of local needs and identities. Spatial justice is rooted at the intersection of two fundamental concepts: "justice" (from moral virtue to postmodern theories) and "space" (from a static concept to the context for the reproduction of power structures). However, the roots of this concept trace back to legal frameworks governing territory. Without attention to spatial justice, sustainable development or the reduction of social and economic inequalities cannot be expected. This is particularly evident in rural areas where class gaps, weak infrastructure, and discrimination in resource allocation are more pronounced. Economic, political, and planning structures, if lacking a justice-oriented ideology, reproduce spatial inequalities. Meanwhile, two main factors shaping spatial inequality, namely natural conditions and managerial decisions, play a decisive role.

Materials and Methods: This research is applied in terms of purpose and employs a survey research method. The data collection method in this study was designed to answer the research questions. Initially, the items in the villagers' questionnaire were evaluated by 15 experts selected through purposive non-probability sampling; unclear questions were revised, and irrelevant ones were removed. In the section examining spatial justice indicators and their components, a one-sample t-test was conducted in SPSS.

Results and Discussion: The vast majority of spatial justice indicators in both the mountainous (Savadkuh) and foothill (North Savadkuh) regions show unfavorable status (mean scores below 3). This indicates significant inequalities in access to opportunities, resources, and basic services in the studied rural settlements. A comparison of the two regions revealed that the mean t-statistic for all indicators (except the psychological-mental dimension) in the mountainous villages of Savadkuh was significantly lower than in the foothill villages of North Savadkuh. This finding confirms that geographical and topographical constraints of mountainous areas, as a structural factor, make achieving spatial justice much more challenging and lead to deeper deprivation in these regions.

Conclusion: This finding suggests that residents of mountainous areas, despite facing more tangible challenges on other indicators, report better levels of self-esteem, self-confidence, social motivation, and sense of belonging and local identity. This phenomenon can be explained by concepts such as "psycho-social resilience" or "internalized social capital" in mountainous rural communities. Despite physical limitations, mountainous environments often possess more traditional social structures, stronger tribal or familial solidarity, and a more distinct collective identity, which can strengthen these mental dimensions.

Keywords: One-Sample t-test, Structural Equation, Modeling (SEM), Foothill Villages, Mountainous Villages, Spatial Justice Indicator.

Citation: Heidari Sarban, V., Yari Hesar, A., Imani, B., & Amani, A. (2026). Analysis and Investigation of Spatial Justice in Rural Settlements of Savadkuh and North Savadkuh Counties, Mazandaran Province. *Sustainable Development of Geographical Environment*, Vol. 8, No. 18, (0-0). <https://doi.org/10.48308/sdge.2026.234385.1281>

Received: 23/11/2025

Revised: 30/04/2026

Accepted: 30/04/2026

* Corresponding Author's Email: v_heidari@uma.ac.ir



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

سنجش عدالت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سوادکوه و شهرستان سوادکوه شمالی (مازندران)

وکیل حیدری ساربان^{۱*}، ارسطو یاری حصار^۲، بهرام ایمانی^۳، ایوب امانی^۴

۱. گروه جغرافیای شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

مقدمه: عدالت فضایی به عنوان یکی از اصول بنیادین توسعه پایدار به توزیع عادلانه فرصت‌ها، منابع، خدمات و امکانات در فضای جغرافیایی، همراه با فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر و احترام به تنوع نیازها و هویت‌های محلی اشاره دارد. عدالت فضایی در تقاطع دو مفهوم بنیادین ریشه دارد: «عدالت» (از فضیلت اخلاقی تا نظریه‌های پسامدرن و «فضا» (از مفهوم ایستا تا بستر بازتولید ساختارهای قدرت. اگرچه این مفهوم ریشه‌های آن به چارچوب‌های حقوقی مرتبط با حکمرانی سرزمینی بازمی‌گردد. بدون توجه به عدالت فضایی، نمی‌توان انتظار توسعه پایدار یا کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را داشت. به‌خصوص در مناطق روستایی که شکاف طبقاتی، زیرساخت‌های ضعیف و تبعیض در تخصیص منابع مشهودتر است. ساختارهای اقتصادی، سیاسی و برنامه‌ریزی اگر فاقد ایدئولوژی عدالت‌محور باشند، نابرابری‌های فضایی را بازتولید می‌کنند. در این میان، دو عامل اصلی شکل‌دهنده نابرابری فضایی یعنی شرایط طبیعی و تصمیمات مدیریتی، نقش تعیین‌کننده دارند.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق پیمایشی می‌باشد. در این تحقیق روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق. بدین ترتیب ابتدا سؤالات پرسش‌نامه روستاییان توسط از ۱۵ نفر از متخصصان که به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب شدند، مورد ارزیابی قرار گرفت و سؤالات نامفهوم اصلاح و سؤالات بی‌ربط حذف شد. در بخش بررسی و تحلیل شاخص‌های عدالت فضایی و مؤلفه‌هایی عدالت فضایی نیز از آزمون T تک نمونه‌ای توسط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

نتایج و بحث: اکثریت قاطع شاخص‌های عدالت فضایی در هر دو منطقه کوهستانی (سوادکوه) و کوهپایه‌ای (سوادکوه شمالی)، وضعیت نامطلوب (مقدار نمره میانگین کمتر از سه) را نشان می‌دهند. این حاکی از وجود نابرابری‌های قابل توجه در دسترسی به فرصت‌ها، منابع و خدمات پایه در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه است. مقایسه دو منطقه نشان داد که میانگین آماره t برای تمامی شاخص‌ها (به جز بعد روانشناختی-ذهنی) در روستاهای کوهستانی سوادکوه به طور معناداری پایین‌تر از روستاهای کوهستانی سوادکوه است. این یافته تأیید می‌کند که محدودیت‌های جغرافیایی و توپوگرافی کوهستانی، به عنوان یک عامل ساختاری، دستیابی به عدالت فضایی را با چالش‌های بسیار بیشتری روبرو ساخته و منجر به محرومیت عمیق‌تر در این مناطق شده است.

نتیجه‌گیری: این یافته حاکی از آن است که ساکنین مناطق کوهستانی، با وجود چالش‌های ملموس‌تر در سایر شاخص‌ها، از نظر عزت‌نفس، خودباوری، انگیزه اجتماعی و احساس تعلق و هویت محلی، وضعیت بهتری را گزارش می‌کنند. این پدیده را می‌توان با مفاهیمی مانند "تاب‌آوری روانی-اجتماعی" یا "سرمایه اجتماعی درونی‌شده" در جوامع روستایی کوهستانی تبیین کرد. محیط‌های کوهستانی با وجود محدودیت‌های فیزیکی، اغلب دارای ساختارهای اجتماعی سنتی‌تر، همبستگی قبیله‌ای یا خانوادگی قوی‌تر و هویت جمعی متمایزتری هستند که می‌تواند به تقویت این ابعاد ذهنی منجر شود.

واژه‌های کلیدی: آزمون تی تک نمونه‌ای، مدل سازی معادلات ساختاری، روستاهای کوهپایه‌ای، روستاهای کوهستانی، شاخص‌های عدالت فضایی.

استناد: حیدری ساربان، و، یاری حصار، ا، ایمانی، ب، و امانی، ا. (۱۴۰۵). سنجش عدالت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان سوادکوه و شهرستان سوادکوه شمالی (استان مازندران). توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دوره ۸، شماره ۱۸، پاییز ۱۴۰۵، (۰-۰).

<https://doi.org/10.48308/sdge.2026.234385.1281>

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

* رایانامه نویسنده مسئول: v_heidari@uma.ac.ir

مقدمه

عدالت از دیرباز به عنوان یکی از بنیادی ترین مفاهیم در سازماندهی جوامع بشری مطرح بوده است (Makateng, 2022). و ریشه در نابرابری های دیرینه میان ملت ها، اقوام و دولت ها دارد (داداش پور و دادی، ۱۳۹۸). مایکل سندل عدالت را هم تولید بیشترین رفاه برای بیشترین افراد و هم احترام به آزادی انتخاب می داند (Sandel, 2013). احساس عدالت اجتماعی از مهم ترین ارکان بهبود احساس امنیت اجتماعی از طریق مولفه های دسترسی به منابع، حکمروایی خوب، رفاه اقتصادی، رشد شخصیت فردی، نبود تبعیض های اجتماعی و دسترسی به خدمات اجتماعی است (وکیل و همکاران، ۱۳۹۸). با وجود غنای بین رشته ای، عدالت فضایی در حال حاضر فاقد تعریفی یکپارچه است (Moroni & De Franco, 2024). عدالت فضایی به عنوان یکی از اصول بنیادین توسعه پایدار به توزیع عادلانه فرصت ها، منابع، خدمات و امکانات در فضای جغرافیایی، همراه با فرآیندهای تصمیم گیری فراگیر و احترام به تنوع نیازها و هویت های محلی اشاره دارد (Soja, 2010). در حوزه جغرافیا، مفهوم «عدالت فضایی» به تحلیل نقش فضا در تولید عدالت یا بی عدالتی می پردازد. این مفهوم به معنای توزیع عادلانه فرصت ها و منابع در سطح مکان ها و فضاهاست (Tzanni et al., 2023). عدالت فضایی از گسترش نظریه عدالت اجتماعی به قلمرو جغرافیایی پدید آمد (Moroni & De Franco, 2024; Costanza, 2020). عدالت فضایی می بایست در فرآیندهای تصمیم گیری مکانی نهادینه شود تا توزیع خدمات و منابع به صورت منصفانه انجام گیرد (Bavnbaek and Thuesen 2025). دیوید هاروی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر بر نقش ساختارهای سرمایه داری در تولید نابرابری های فضایی تأکید دارد. این دیدگاه به نقد سیاست های شهری محور و ساختارهای قدرت و مالکیت زمین در فضاهای شهری و روستایی می پردازد (Harvey, 2009). هدف اولیه آن دستیابی به انصاف کلی در نظام اجتماعی - بوم شناختی از طریق تضمین تخصیص عادلانه منابع فضایی است (Moroni & De Franco, 2024). عدالت فضایی بر تعادل بین منابع بوم شناختی و خدمات عمومی در سطح توزیع تأکید دارد. هدف آن دستیابی به توزیع عادلانه و منصفانه منابع، منافع و ثروت در سراسر نظام اجتماعی است (Songkai & Zhijun, 2025). عدالت فضایی در تقاطع دو مفهوم بنیادین ریشه دارد: «عدالت» (از فضیلت اخلاقی تا نظریه های پسامدرن (Sandel, 2007) و «فضا» (از مفهوم ایستا تا بستر بازتولید ساختارهای قدرت (Foucault, 1993). اگرچه این مفهوم ریشه های آن به چارچوب های حقوقی مرتبط با حکمرانی سرزمینی بازمی گردد (Cardoso & Breda-Vázquez, 2007). در قرن بیستم، عدالت فضایی ابتدا تحت تأثیر نقد سوسیالیستی مارکس از بی عدالتی سرمایه داری (Harvey, 1996) و مطالعات مکتب شیکاگو درباره بوم شناسی انسانی و ناهمگونی شهری متولد شد. اما این مفهوم در دهه ۱۹۸۰ با ظهور جغرافیای شهری انتقادی به عنوان مفهومی مستقل تدوین شد (Pirie, 1983). بحران مالی ۲۰۰۸ نقطه عطفی در تحول این گفتمان بود. این رویداد تمرکز بر مدل های غیرمتمرکز، مشارکت جامعه محلی و فناوری های توزیعی را تقویت کرد. امروزه عدالت فضایی به حوزه های کاربردی تبدیل شده که تأثیر مستقیمی بر سیاست ها دارد — از برنامه ریزی حمل و نقل تا توزیع خدمات عمومی (Özcelik & Hamamcioglu 2025). این تحول بازتاب «گردش فضایی» در علوم اجتماعی است که فضا را نه به عنوان بی طرف، بلکه به عنوان «میدان نبرد قدرت» درک می کند که پیامدهای فقدان عدالت فضایی را می توان در انسداد اجتماعی و طرد اجتماعی مشاهده کرد (Mark, Holec et al. 2025). اهمیت عدالت فضایی از اواخر دهه ۲۰۱۰ به دلیل این بین رشته ای بودن و پیوند آن با مفاهیمی چون تنوع فرهنگی (Young, 2020)، کنش ارتباطی (Habermas, 1990)، رویکردهای فمینیستی (Massey, 2013)، نهادگرایی (Peters, 2019)، عدالت اجتماعی - محیط زیستی، توسعه پایدار (Wang, 2023)، و عدالت زیست محیطی (Yazar., 2020: 79) اهمیت بیشتری یافته است. عدالت فضایی ابعاد توزیعی برنامه ریزان، هنجارهای رویه ای حقوق دانان، تجربه زیسته ی تأکید شده توسط جامعه شناسان، و تجلی قدرت در فضا را در هم می تند (Bavnbaek and Thuesen 2025). فراگیری عدالت فضایی در تقاطع با سایر اصطلاحات که از واژه های عدالت و فضا استفاده می کنند، مانند عدالت اجتماعی، عدالت زیست محیطی، انصاف فضایی، برابری فضایی و غیره، مشهودتر است، به گونه ای که بعد «فضاییت» فراتر از محیط، جامعه و جامعه می رود؛ بعد «عدالت» فراتر از برابری، انصاف توزیعی یا انصاف

رویه‌ای، شامل روابط فضایی-زمانی در مقیاس‌های مختلف می‌شود (Madanipour et al., 2023: 113). اگرچه این فراگیری، عدالت فضایی را به‌عنوان نقدی بر هندسه‌های نابرابر قدرت و ابزاری برای دستیابی به نتایج فضایی عادلانه در مکان‌سازی غنی می‌کند. با این حال، در حوزه توسعه روستایی، دستیابی به توزیع ایده‌آل منابع بسیار چالش‌برانگیز است. به دلیل محدودیت منابع منطقه‌ای، توزیع فضایی خدمات بوم‌شناختی (ES) و رفاه (WB) اغلب با اصول عدالت فضایی همسو نیست. عدالت فضایی نباید تنها بر «برابری» ایستا تمرکز کند، بلکه باید بر «عدالت» پویا نیز تأکید داشته باشد. این امر مستلزم طراحی نهادی است که ارزش‌های اخلاقی را به ابزارهای سیاستی عملی تبدیل کند (Songkai & Zhijun, 2025). نظریه قابلیت‌ها می‌تواند به عنوان چهارچوبی برای عدالت فضایی به کار رود. این نظریه بر توانایی افراد برای دسترسی واقعی به فرصت‌ها و منابع فضایی تأکید دارد، نه صرفاً توزیع فیزیکی آن‌ها. دیدگاه فرآیندی از عدالت فضایی بر مشارکت دموکراتیک، شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌های فضایی تأکید دارد و عدالت فضایی را از طریق فرآیندهای عادلانه و مشارکتی قابل تحقق می‌داند و تأکید صرف بر نتایج توزیعی ندارد (Fainstein, 2010). عدالت فضایی پیوندی عمیق با توسعه پایدار، مشارکت اجتماعی و پایداری سکونتگاه‌های انسانی دارد (Cox, 2019). علاوه بر پیامدهای مستقیم نابرابری فضایی در دسترسی به خدمات پایه و زیربنای، تبعات بلندمدت آن نمود خود را در مهاجرت معکوس و تخلیه جمعیتی روستاها نشان می‌دهد (Bie & Young, 2023). دیدگاه عدالت فضایی عمومی و محیط زیستی بر نقش عوامل اجتماعی-فضایی مانند آلودگی، دسترسی به خدمات درمانی و فضای سبز در سلامت سکونتگاه‌های انسانی تأکید دارد. این نظریه تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری‌های فضایی باید به کاهش نابرابری‌های سلامت از طریق توزیع عادلانه منابع محیطی کمک کند (Kolak & Moyes, 2025). زمانی که روستاییان به سبب محدودیت در دسترسی به آموزش، بهداشت و اشتغال، امید به آینده‌شان را از دست می‌دهند، جریان خروج به سمت مراکز شهری شدت می‌یابد و ساختار جمعیتی و اقتصادی زیستگاه‌های روستایی دچار اختلال می‌گردد (Goodwin et al., 2023). این روند نه تنها موجب کاهش تولیدات محلی و تضعیف پیوندهای سنتی اجتماعی می‌شود، بلکه هزینه‌های سنگینی را به زیرساخت‌های شهری تحمیل می‌کند (Hayes et al., 2025). از این رو، تضمین عدالت فضایی به معنای پیشگیری از فروپاشی پیوستگی اجتماعی و تقویت مقاومت سکونتگاه‌های روستایی در برابر شوک‌های اقتصادی و محیط‌زیستی است. مطالعات اخیر نیز تأکید می‌کنند که عدالت فضایی به ظرفیت‌های بومی، مشارکت محلی و دسترسی برابر به خدمات عمومی وابسته است (Shucksmith et al., 2021; Nimani et al., 2023). در این چارچوب، بدون توجه به عدالت فضایی، نمی‌توان انتظار توسعه پایدار یا کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را داشت. به‌خصوص در مناطق روستایی که شکاف طبقاتی، زیرساخت‌های ضعیف و تبعیض در تخصیص منابع مشهودتر است. ساختارهای اقتصادی، سیاسی و برنامه‌ریزی اگر فاقد ایدئولوژی عدالت‌محور باشند، نابرابری‌های فضایی را بازتولید می‌کنند. در این میان، دو عامل اصلی شکل‌دهنده نابرابری فضایی یعنی شرایط طبیعی و تصمیمات مدیریتی، نقش تعیین‌کننده دارند (افراخته و همکاران، ۱۳۹۲). شهرستان‌های سوادکوه شمالی و سوادکوه، واقع در استان مازندران، با دارا بودن طبیعت بکر، پتانسیل‌های کشاورزی، دامپروری و گردشگری، از جایگاه استراتژیک و اهمیت ویژه‌ای در توسعه منطقه‌ای برخوردارند. با این حال، عدالت فضایی به عنوان یکی از اصول بنیادین توسعه پایدار و انسانی، در عرصه‌های روستایی این دو شهرستان با چالش‌ها و نابرابری‌های عمیق و ملموسی مواجه است. این نابرابری‌ها، نه تنها مانعی بر سر راه رشد و تعالی روستاییان شده، بلکه به تهدیدی جدی برای پایداری جوامع روستایی و تعادل منطقه‌ای تبدیل شده است. مشکل اصلی در توزیع ناعادلانه فرصت‌ها، امکانات و خدمات بین مناطق شهری (به‌ویژه مرکز شهرستان) و مناطق روستایی، و حتی درون خود روستاها (بین روستاهای نزدیک به مرکز و روستاهای دورافتاده کوهستانی) تجلی می‌یابد. بسیاری از روستاهای این شهرستان‌ها، به‌ویژه در مناطق کوهستانی سوادکوه شمالی و صعب‌العبور، از دسترسی کافی و استاندارد به شبکه‌های راه روستایی ایمن و همیشگی، آب آشامیدنی سالم و پایدار، برق باکیفیت و بدون قطعی‌های مکرر، و اینترنت پرسرعت و گسترده محروم‌اند. نبود زیرساخت‌های لازم برای توسعه کشاورزی و دامپروری مدرن، عدم حمایت کافی از صنایع دستی و گردشگری روستایی، و کمبود اعتبارات و

تسهیلات مالی ویژه برای روستاییان، باعث شده اقتصاد روستایی ضعیف و وابسته به یارانه ها باقی بماند و بیکاری جوانان روستایی به یک بحران تبدیل شود. نابرابری های فضایی مستقیماً بر کیفیت زندگی، فرصت های پیشرفت تحصیلی و شغلی، و امید به آینده در روستاها تأثیر منفی گذاشته است. این وضعیت، علاوه بر تشدید فقر و محرومیت، منجر به مهاجرت گسترده جوانان و نیروهای متخصص، پیری جمعیت روستاها، تضعیف بافت اجتماعی و فرهنگی و در نهایت، تخلیه تدریجی روستاها می شود. در همین راستا شناسایی ابعاد و میزان عدالت فضایی در هر دو شهرستان به برنامه ریزان روستایی در جهت تدوین برنامه ها و سیاست گذاری ها کمک شایانی می نماید. اگرچه در سال های اخیر مطالعات متعددی به بررسی عدالت فضایی در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته اند، اما بیشتر این پژوهش ها یا بر جنبه های کمی و توزیعی متمرکز بوده اند و به مقایسه دو ناحیه جغرافیایی کوهستانی و کوهپایه ای نپرداخته اند و یا با اتکا به داده های ثانویه، به ارزیابی شاخص های عینی پرداخته اند. شکاف پژوهشی موجود در این حوزه، نادیده گرفتن «ادراک و قضاوت خود روستاییان» از وضعیت عدالت فضایی است. رویکرد غالب در ادبیات موجود، اغلب از بالا به پایین و مبتنی بر نظر کارشناسان بوده و کمتر به این پرسش پرداخته که مردم محلی خود چه تعریفی از بی عدالتی دارند و کدام ابعاد آن را در زندگی روزمره خود ملموس تر و اثرگذارتر می دانند. این غفلت از صدای جامعه محلی، برنامه های توسعه روستایی را با خطر ناکارآمدی و عدم انطباق با نیازهای واقعی مواجه ساخته است.

از این رو در این پژوهش هدف اصلی ما بررسی و تحلیل عدالت فضایی از منظر مردم سکونتگاه های روستایی است. این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱- کدام شاخص های عدالت فضایی در سکونتگاه های روستایی از منظر پاسخگویان اثرگذارتر می باشد؟

۲- مؤلفه های عدالت فضایی از نظر رضایتمندی پاسخگویان به چه میزان است؟

۳- وضعیت شاخص های عدالت فضایی در دو نقطه کوهستانی و کوه پایه ای چگونه است؟

مرور پیشینه پژوهش های انجام شده نشان می دهد که عدالت فضایی در نواحی روستایی موضوعی چندبعدی بوده و در مطالعات مختلف از جنبه های گوناگون بررسی شده است.

در پژوهشی با عنوان ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی روستاهای استان چهارمحال بختیاری در سال ۱۴۰۴ چنین نتیجه گرفته شده است که با توجه به نتایج مدل های کمی سطح برخورداری از خدمات عمومی روستایی در شهرستان های اردل، لردگان و بن در سطح مناسبی قرار گرفته، روستاهای شهرستان های بروجن، کوه رنگ و کیار از نظر عدالت فضایی در مورد خدمات عمومی نیمه برخوردار بوده و در نهایت روستاهای شهرستان های فارس، سامان و شهر کرد در موقعیت غیربرخوردار و نامطلوب از منظر عدالت فضایی قرار گرفته اند (Akbarian, 2025).

در پژوهشی با عنوان «پیمایش عدالت فضایی: بررسی منطق برنامه ریزان شهری در برنامه ریزی تفکیکی روستاها» چنین نتیجه گرفته شد که برخی شهرداری ها از رویکرد مشارکتی و مبتنی بر تقاضای ساکنان (رویگرد «اولی که درخواست کند، اول رسیدگی می شود») پیروی می کنند، در حالی که شهرداری های دیگر با هدف رسیدن به اهداف توسعه ای مشخص، منابع و خدمات محلی را به صورت استراتژیک و منصفانه بین روستاها توزیع می کنند. تفاوت ها در دسترسی به منابع و خدمات میان روستاها نشان می دهد که برای تحقق عدالت فضایی واقعی نیاز به تقویت همکاری و هماهنگی میان شهرداری ها وجود دارد (Bavnæk, 2025).

سجاد و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نابرابری فضایی و توسعه روستایی در منطقه پشتیبان پایتخت جدید نوسانتارا، اندونزی» بیان داشتند که نابرابری فضایی قابل توجهی در روستاهای منطقه پشتیبان پایتخت جدید اندونزی وجود دارد؛ به طوری که نزدیکی جغرافیایی به مراکز اداری لزوماً دسترسی عادلانه به رفاه را تضمین نمی کند و اتخاذ رویکرد عدالت فضایی برای توسعه روستایی عادلانه و پایدار ضروری است (Sajf et al, 2025).

وولف و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «وابستگی های متقابل در برنامه ریزی فضایی و رفاه در مناطق روستایی» بیان داشتند که درک وابستگی های متقابل بین تصمیمات برنامه ریزی فضایی، جمعیت، زیرساخت و رفاه برای دستیابی

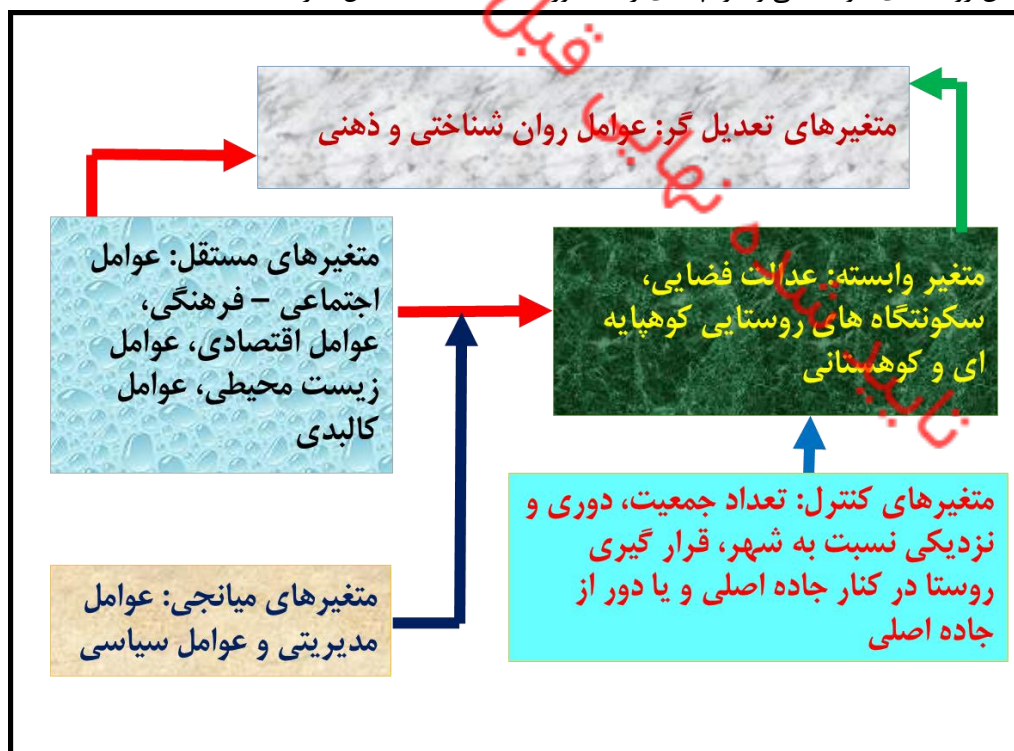
به عدالت اکولوژیکی، اجتماعی و فضایی و همچنین پایداری در مناطق روستایی از اهمیت بالایی برخوردار است (Wolff et al, 2025).

یو و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «ادراکات ساکنان و مسیرهای حکمرانی عدالت فضایی در روستاهای گردشگری: مطالعه موردی روستاهای دالینگنان و شیائولینگنان» بیان داشتند که در روستاهای گردشگری مورد مطالعه، سطح ادراک عدالت فضایی در ابعاد پنج‌گانه (عدالت رویه‌ای، تعاملی، توزیعی، تشخیصی و عاطفی) پایین ارزیابی شده است و پدیده‌هایی مانند جدایی‌گزینی مسکونی، توزیع نامتوازن منابع فضایی و سوداگری سرمایه شرکتی در این مناطق مشاهده می‌شود (Wang et al, 2025).

وو و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی چندبعدی در سطح شهرستان از کیفیت توسعه یکپارچگی شهری-روستایی در سینکیانگ از منظر عدالت فضایی» بیان داشتند که نابرابری‌های قابل توجهی در شاخص‌های جینی تخصیص منابع جمعیت-خدمات عمومی در سطح شهرستان‌های سینکیانگ وجود دارد و کیفیت یکپارچگی شهری-روستایی در سطح پایینی ارزیابی شده است (Wu et al, 2025).

جمع‌بندی: در پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با عدالت فضایی پژوهش به مطالعه مقایسه‌ای دو ناحیه جغرافیایی مختلف نپرداخته‌اند و مطالعات به صورت منفرد و جداگانه بوده است. وجه تمایز و نوآوری این پژوهش مقایسه متغیرهای عدالت فضایی در دو ناحیه جغرافیایی مختلف یعنی روستاهای کوهستانی شهرستان سوادکوه و روستاهای کوهپایه سوادکوه شمالی می‌باشد.

بر اساس پیشینه‌های مطرح شده می‌توان بیان نمود که پژوهش‌های پیشین در زمینه عدالت فضایی بصورت کلی و بدون تفکیک جغرافیایی مطرح شده‌اند و عمدتاً بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی یا مدیریتی متمرکز بوده‌اند اما تفاوت‌های مکانی میان روستاهای کوهستانی و کوهپایه‌ای را به صورت تفکیک‌شده تحلیل نکرده‌اند.

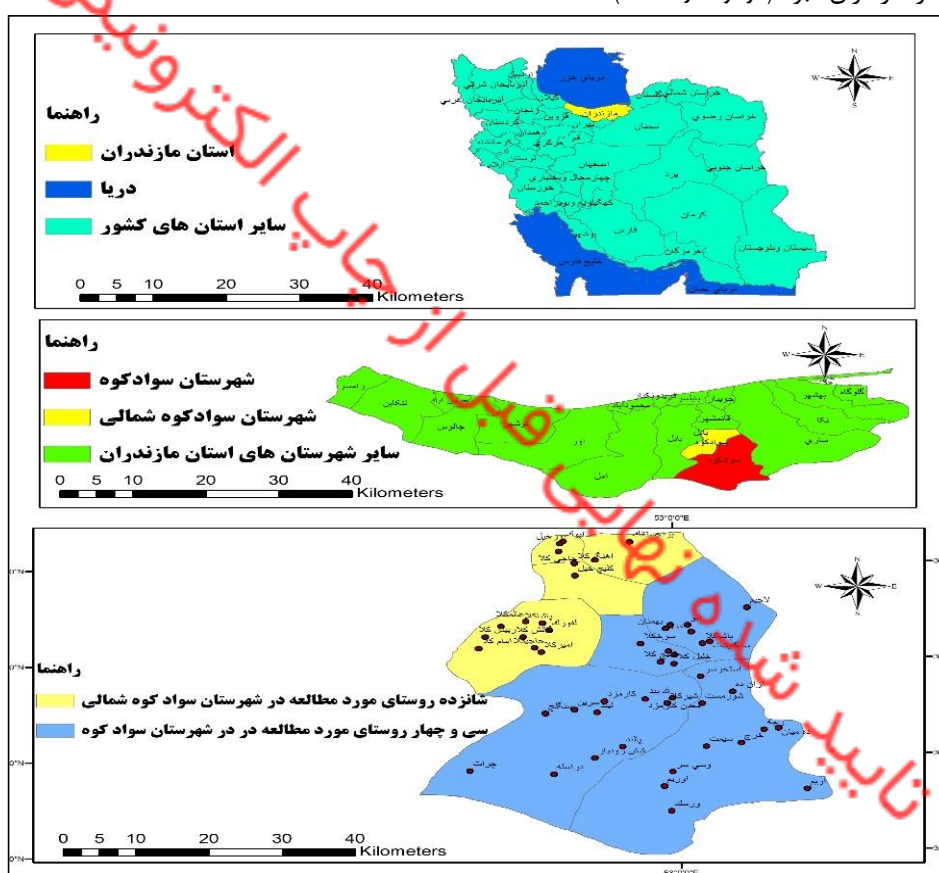


شکل شماره ۱. مدل مفهومی تحقیق (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

مواد و روش ها

محدوده مورد مطالعه

شهرستان سوادکوه شمالی، با مرکزیت شهر شیرگاه، یکی از شهرستان های استان مازندران در شمال ایران است که در سال ۱۳۹۲ از بخش شیرگاه شهرستان سوادکوه جدا شده و به عنوان یک واحد اداری مستقل تأسیس گردید. این شهرستان در دامنه های شمالی رشته کوه های البرز مرکزی و در یک دره وسیع و طولانی واقع شده است. و جمعیت آن طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۴۸۳۴ نفر که عمدتاً در روستاها و شهرهای کوچک پراکنده اند می باشد. دارای آب و هوای معتدل کوهستانی با جنگل های هیرکانی می باشد. شهرستان سوادکوه یکی دیگر از شهرستان های استان مازندران است که از سمت شمال با شهرستان سوادکوه شمالی و از سمت جنوب با شهرستان فیروزکوه در استان تهران همسایه است جمعیت سوادکوه در سال ۱۳۹۵ حدود ۴۳۹۱۳ نفر و تراکم جمعیت آن ۹/۳۲ نفر در کیلومتر مربع (پایین ترین در مازندران) بود (مرکز آمار، ۱۳۹۵).



شکل ۲. نقشه محدوده مورد مطالعه پژوهش (منبع: مرکز آمار، ۱۳۹۵)

روش پژوهش

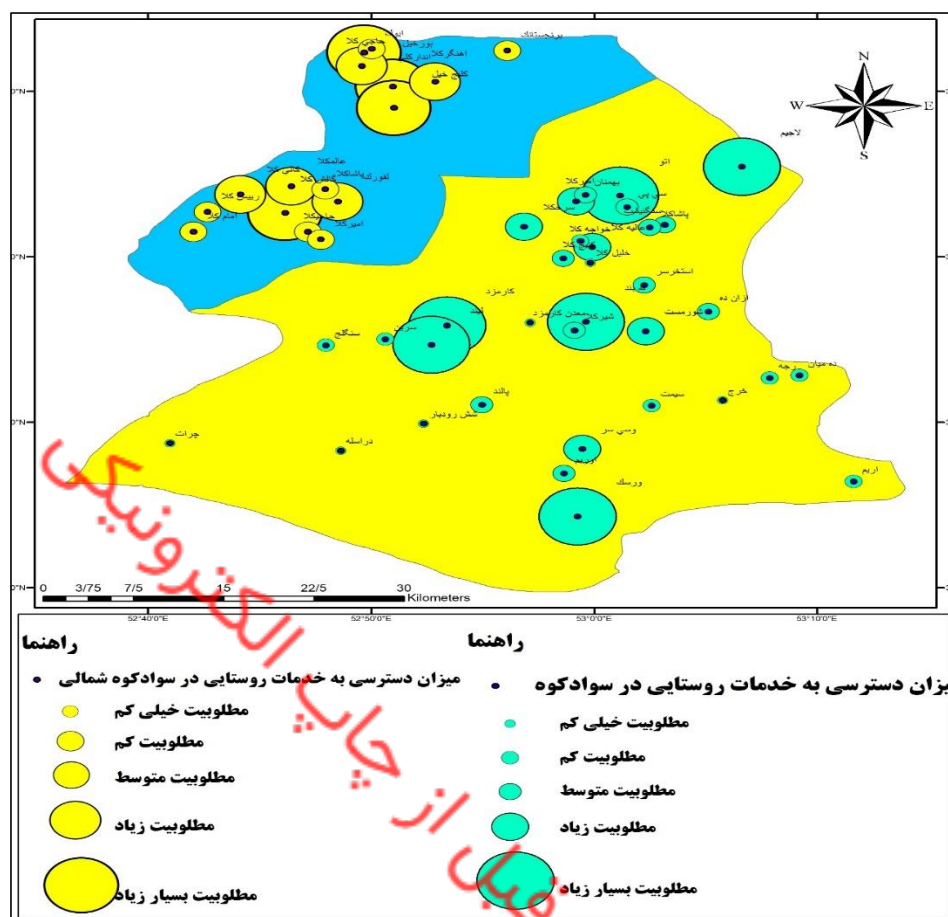
این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. در این تحقیق روش گردآوری داده ها برای پاسخ گویی به سؤالات تحقیق، به دو صورت اسنادی (داده های ثانویه) و پیمایشی و ابزار مورد استفاده پرسشنامه روستاییان و متخصصان است. در این راستا برای ساکنان روستایی پرسشنامه ای در طیف لیکرت (خیلی زیاد: ۵؛ زیاد: ۴؛ متوسط: ۳؛ کم: ۲؛ خیلی کم: ۱؛ مقدار میانگین قابل قیاس (میانگین نظری) در اجرای آزمون T تک نمونه ای برابر با عدد ۳) ۸ متغیر را در شاخص اجتماعی، ۷ متغیر را در شاخص اقتصادی، ۶ متغیر را در شاخص کالبدی، ۷ متغیر را در شاخص زیست محیطی، ۵ متغیر را در شاخص نهادی-مدیریتی، ۵ متغیر را در شاخص سیاسی

و ۴ متغیر را در شاخص ذهنی - روانشناختی روش پیمایشی مورد بررسی قرار داد. با جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش روستائیان ۳۴ روستای شهرستان سوادکوه با جمعیت ۸۱۱۳ نفر می باشد و ۱۶ روستای شهرستان سوادکوه شمالی با جمعیت ۹۱۵۹ نفر می باشد. حجم نمونه در پرسشنامه روستائیان محدوده مورد مطالعه برای سنجش میزان مطلوبیت متغیرهای برنامه توانمندسازی پیرامون عدالت فضایی تعداد ۳۸۴ نفر می باشد که به تناسب جمعیت روستاها در دو شهرستان تعداد ۲۰۴ پرسشنامه در شهرستان کوه پایه ای سوادکوه شمالی و تعداد ۱۸۴ پرسشنامه در شهرستان کوهستانی سوادکوه توزیع شد، روش نمونه گیری به صورت خوشه ای و حجم نمونه با فرمول کوکران در سطح ۳۸۴ نفر تعیین شده است در مرحله اول، این دهستان ها به عنوان خوشه های اولیه انتخاب شده و سپس از هر خوشه به صورت هدفمند تعدادی روستا و تعدادی خانوار به صورت تصادفی نمونه گیری می شود. تعداد روستاهای نمونه تحقیق بر اساس نمونه گیری غیراحتمالی هدفمند همان طوری که ذکر آن رفت ۵۰ روستا تعیین گردیدند و با توجه به تناسب جمعیت در سکونتگاه های روستایی شهرستان سوادکوه تعداد ۳۴ روستا و در سکونتگاه های روستایی شهرستان سوادکوه شمالی تعداد ۱۶ روستا انتخاب شدند و داده های خام برای اندازه گیری شاخص های عدالت فضایی از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. بعد از آن اقدام به سنجش روایی و پایایی پرسشنامه شد. گفتنی است برای تعیین روایی پرسشنامه ها، از شاخص روایی محتوایی طبق ظریب لاوشه استفاده شد و در این راستا پرسشنامه ها به ۸ متخصص داده شد و ضریب لاوشه بدست آمده برای تمام سؤالات دو پرسشنامه بالاتر از ۰/۶۸ بدست آمد. افزون بر این برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS بهره گرفته شد و در این تحقیق مقدار آلفای مذکور ۰/۸۷ شد که مطلوب تلقی می شود. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، از روش مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) در بخش بررسی اثراگذاری شاخص های عدالت فضایی استفاده شده است. در این مطالعه از رویکرد ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS بهره گرفته شده است. در بخش بررسی و تحلیل شاخص های عدالت فضایی و مؤلفه هایی عدالت فضایی نیز از آزمون T تک نمونه ای توسط نرم افزار SPSS استفاده شده است.

نتایج و بحث

عدالت فضایی در دو شهرستان سوادکوه و سوادکوه شمالی بر اساس داده های مکانی مرکز آمار

روستاهای مورد مطالعه در شهرستان سوادکوه شمالی از نظر برخورداری از آب لوله کشی دارای وضعیت مطلوبی می باشد و تنها دو روستای ایوک و پاشاکلا دارای شبکه آب لوله کشی نمی باشند. تمام روستاهای مورد مطالعه از شبکه برق برخوردار هستند. روستاهای مورد مطالعه از نظر برخورداری از خانه بهداشت دارای وضعیت نامطلوبی می باشند و اکثر روستاها خانه بهداشت ندارند. تنها سه روستای بورخیل، آهنگر کلا و کلیچ خیل دارای شبکه تلفن می باشند و سایر روستاها دارای شبکه تلفن نمی باشند. روستاهای مورد مطالعه در شهرستان سوادکوه از نظر برخورداری از آب لوله کشی دارای وضعیت زیاد مطلوبی نمی باشد و از میان ۳۴ روستای مورد مطالعه ۸ روستا از شبکه آب لوله کشی برخوردار نمی باشند. و این شهرستان در مقایسه با شهرستان سوادکوه شمالی دارای وضعیت نامطلوبی می باشد. تمام روستاهای مورد مطالعه به استثنای ۴ روستا از شبکه برق برخوردار هستند. روستاهای مورد مطالعه از نظر برخورداری از خانه بهداشت دارای وضعیت بسیار نامطلوبی می باشند و از میان ۳۴ روستای مورد مطالعه تنها ۱۳ روستا خانه بهداشت دارند. روستاهای مورد مطالعه در این شهرستان از نظر برخورداری از شبکه تلفن از وضعیت مناسبتری در مقایسه با روستاهای مورد مطالعه در شهرستان سوادکوه شمالی برخوردار می باشند و از میان ۳۴ روستای مورد مطالعه تعداد ۱۳ روستا از شبکه تلفن برخوردار می باشند (مرکز آمار، ۱۳۹۵).



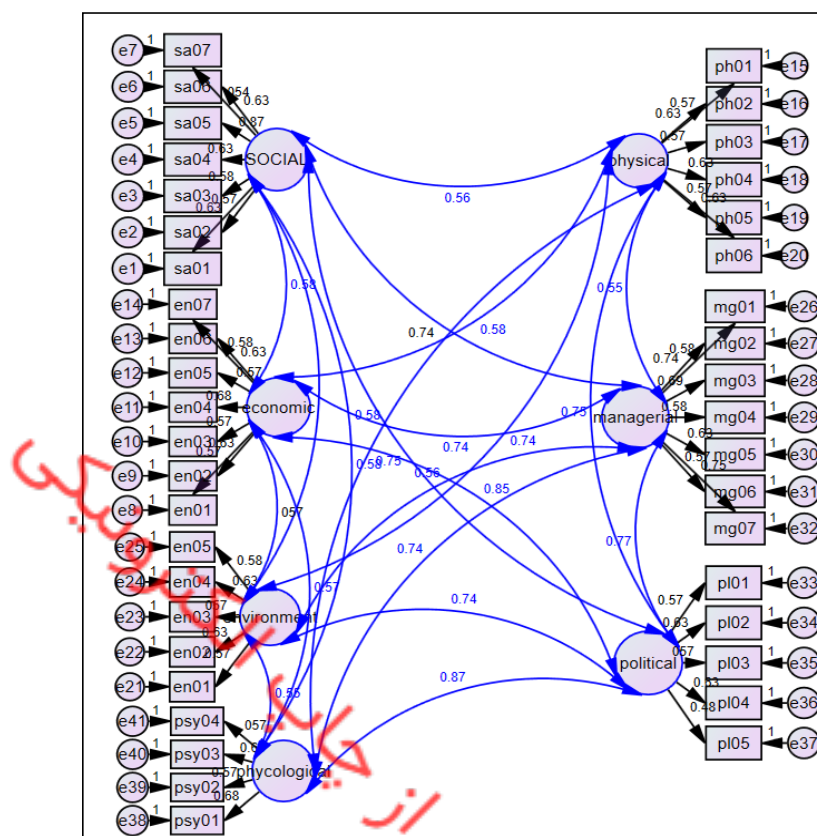
شکل ۳. وضعیت خدمات روستایی در روستاهای مورد مطالعه (منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴)

مدل معادلات ساختاری

در این بخش به منظور بررسی اثرات متغیرهای اصلی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی، روانشناختی و ذهنی، کالبدی و مدیریتی) بر عدالت فضایی در قالب مدل تحقیق، ترسیم و روابط بین متغیرهای پنهان مورد بررسی قرار می گیرند. در این مورد ابتدا از شاخص های برازش اطمینان حاصل می کنیم و سپس به سراغ بررسی روابط مفروض بین متغیرهای پنهان می رویم.

مدل اندازه گیری

در مدل اندازه گیری تمامی ابعاد تحقیق و سوالات مربوطه در قالب یک مدل ترسیم می شوند و به صورت دوه دو با هم مرتبط می شوند. روابط همبستگی به صورت دوه دو بررسی شده و چنانچه دارای همبستگی $0/9$ یا بیشتر باشند، باید با یکدیگر ادغام شده یا اینکه متغیری که دارای واریانس بیشتری است در مدل باقی می ماند. متغیرهایی که همبستگی $0/9$ یا بیشتر داشته باشند به این معنی است که یک موضوع بسیار نزدیک به هم را می سنجد.

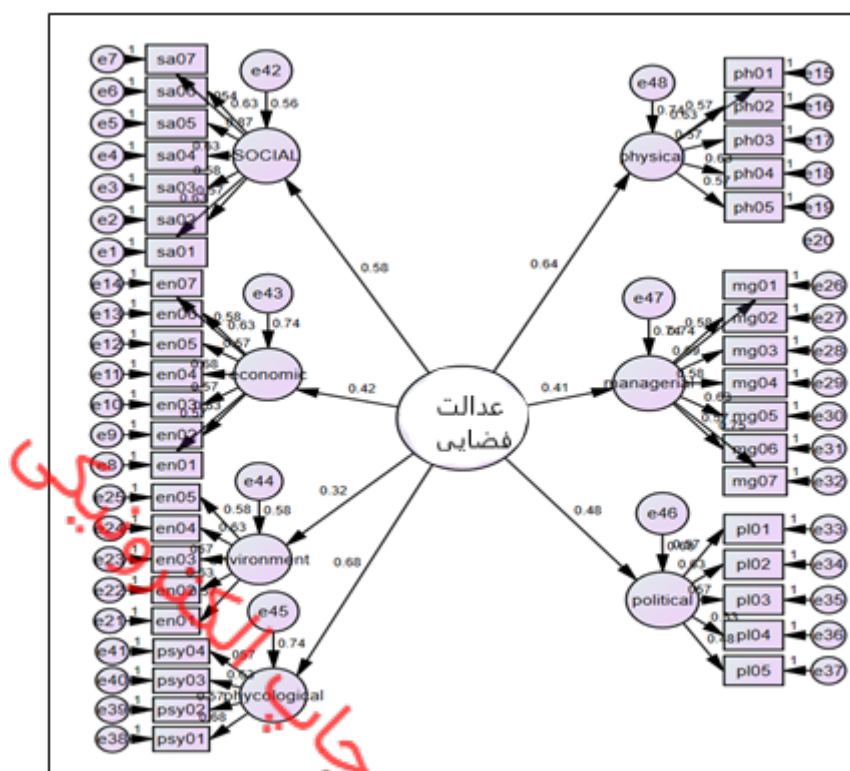


شکل ۴. مدل معادلات ساختاری پژوهش (منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴)

جدول ۲. شاخص های نیکویی برازش مدل اندازه گیری متغیرهای تحقیق (منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴)

شاخص	مقدار کسب شده	مقدار قابل قبول	وضعیت
CMIN/df	۲/۳۵۴	مقدار کمتر از ۳	قبول
RMSEA	۰/۰۵۳	RMSEA < 0.08	قبول

با توجه به جدول فوق کلیه شاخص های مورد بررسی به منظور ارزیابی برازش مدل عاملی تاییدی مورد پذیرش قرار گرفته اند.



شکل ۵. مدل معادله ساختاری تحقیق (منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴)

در جدول زیر میزان ضرایب رگرسیونی که بیانگر میزان اثرگذاری شاخص ها بر یکدیگر است و معناداری این ضرایب به طور خلاصه آورده شده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیونی شاخص های تحقیق (منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۴)

فرضیه	شاخص های عدالت فضایی	ضریب رگرسیونی	عدد معناداری	نتیجه
۱	عوامل اجتماعی-فرهنگی	۰/۵۸	۷/۴۸	تائید
۲	عوامل اقتصادی	۰/۴۲	۴/۲۵	تائید
۳	عوامل محیط زیستی	۰/۳۲	۳/۱۲	تائید
۴	عوامل روانشناختی-ذهنی	۰/۶۸	۸/۶۵	تائید
۵	عوامل کالبدی	۰/۴۸	۴/۸۹	تائید
۶	عوامل مدیریتی	۰/۴۱	۴/۶۵	تائید
۷	عوامل سیاسی	۰/۶۴	۹/۱۲	تائید

تحلیل روابط نشان داد که عوامل فرهنگی با ضریب رگرسیونی ۰/۵۸ و عدد معناداری ۷/۴۸ تأثیر معناداری بر عدالت فضایی دارند. عوامل اقتصادی نیز با ضریب ۰/۴۲ و عدد معناداری ۴/۲۵، نقش مؤثری در تقویت عدالت فضایی روستایی ایفا کردند؛ به ویژه در زمینه معیشت پایدار، دسترسی به بازار و تسهیلات مالی. عوامل محیط زیستی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۲ و مقدار معناداری ۳/۱۲ نیز نشان دادند که کیفیت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی بر بهبود عدالت فضایی اثرگذارند. در این میان، عوامل روان شناختی و ذهنی با بالاترین ضریب رگرسیونی ۰/۶۸ و عدد معناداری ۸/۶۵، بیشترین نقش را در ارتقای عدالت فضایی در میان روستاییان داشتند، به گونه ای که عزت نفس، احساس تعلق و انگیزه های درونی اثر تعیین کننده ای در تقویت عدالت فضایی داشتند. در ادامه، یافته ها نشان داد که عوامل کالبدی با ضریب ۰/۴۸ و عدد معناداری ۴/۸۹ نیز در ارتقاء احساس عدالت از طریق بهبود مسکن، جاده و فاضلاب تأثیرگذار بوده اند. عوامل مدیریتی با ضریب ۰/۴۱ و مقدار معناداری ۴/۶۵ اهمیت بالایی در بهبود شفافیت، داده محوری و هماهنگی نهادی داشتند و تأثیر

مثبتی بر تقویت عدالت فضایی بر جای گذاشتند. در نهایت، عوامل سیاسی با ضریب رگرسیونی $0/64$ و عدد معناداری $9/12$ بیشترین نقش را پس از عوامل روانی ایفا کردند و تأکید کردند که مشارکت سیاسی فعال و بهبود ساختارهای تصمیم‌گیری محلی سهم کلیدی در تحقق عدالت فضایی در جوامع روستایی دارند. نتایج نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های هفت‌گانه تأثیر مثبت و معناداری بر متغیر پنهان «عدالت فضایی» دارند. با این حال، قدرت این تأثیرگذاری متفاوت است: نیروهای محرک اصلی (پیشران‌های کلیدی): شاخص‌های «ذهنی-روانشناختی» ($0/68$) و «سیاسی» ($0/64$) و «اجتماعی-فرهنگی» ($0/58$) به ترتیب بیشترین ضرایب رگرسیونی را دارند. این بدان معناست که عدالت فضایی در منطقه بیش از هر چیز تابعی از ادراک و انگیزه‌های درونی مردم، فضاهای باز سیاسی و مشارکت اجتماعی است. به عبارت دیگر، زیرساخت نرم (ذهنیت، سیاست و فرهنگ) قوی‌ترین بستر برای تحقق عدالت است. عوامل زمینه‌ساز (میان‌برد): شاخص «کالبدی» ($0/48$) در رتبه بعدی قرار دارد. این نشان می‌دهد که کیفیت مسکن، راه‌ها و زیرساخت‌های فیزیکی، اگرچه به اندازه عوامل نرم قوی نیستند، اما بسترهای مادی ضروری برای تحقق عینی عدالت را فراهم می‌کنند. عوامل با تأثیر کمتر (اما همچنان حیاتی): شاخص‌های «اقتصادی» ($0/42$)، «تهدیدی-مدیریتی» ($0/41$) و «زیست‌محیطی» ($0/32$) کمترین ضرایب را دارند. این یافته به‌طور ویژه قابل تأمل است و نشان از نارسایی ساختاری دارد: علیرغم اهمیت تئوریک این عوامل، در عمل نتوانسته‌اند به عنوان موتور محرکه عدالت فضایی عمل کنند. ضعف نهادها، شکست برنامه‌های اقتصادی و غفلت از محیط زیست، آن‌ها را به متغیرهای تأثیرگذار ضعیف‌تری تبدیل کرده است.

بررسی وضعیت شاخص‌های عدالت فضایی از طریق آزمون T تک نمونه ای در کل محدوده مورد مطالعه

جدول ۵. وضعیت مولفه‌های عدالت فضایی

شاخص‌های اصلی	مولفه	T	سطح معناداری	میانگین تفاوت	حد پایین	حد بالای	وضعیت مولفه
اجتماعی	افزایش سرمایه اجتماعی	-۳۶/۶۱۵	$<0/001$	-۰/۴۶۱۱۷	-۰/۴۸۵۹	-۰/۴۳۶۴	نامطلوب
	افزایش آگاهی و دانش	-۳۴/۹۲۴	$<0/001$	-۰/۴۴۶۵۴	-۰/۴۷۱۷	-۰/۴۲۱۴	نا مطلوب
	بهبود وضعیت زنان	-۳۳/۸۰۶	$<0/001$	-۰/۴۳۹۸۷	-۰/۴۶۵۵	-۰/۴۱۴۳	نا مطلوب
	تغییر سبک زندگی	۳۶/۴۵۱	$<0/001$	۰/۵۸۶۹۸	۰/۵۵۵۳	۰/۶۱۸۶	مطلوب
	بهبود کیفیت زندگی	-۳۵/۲۵۶	$<0/001$	-۰/۴۴۵۶	-۰/۴۷۰۴	-۰/۴۲۰۷	نا مطلوب
	جلوگیری از مهاجرت	-۳۵/۰۹۷	$<0/001$	-۰/۴۵۰۳۱	-۰/۴۷۵۵	-۰/۴۲۵۱	نا مطلوب
	برابری در دسترسی به منابع و خدمات	-۳۷/۴۵۸	$<0/001$	-۰/۴۶۰۷۳	-۰/۴۸۴۹	-۰/۴۳۶۵	نا مطلوب
اقتصادی	مشارکت اجتماعی و نقش‌آفرینی محلی	۳۴/۵۴۷	$<0/001$	۰/۵۷۹۴۵	۰/۵۴۶۵	۰/۶۱۲۴	مطلوب
	دسترسی به معیشت پایدار	-۳۵/۸۱۵	$<0/001$	-۰/۴۵۲۹۲	-۰/۴۷۷۸	-۰/۴۲۸۱	نا مطلوب
	کاهش فقر	-۳۴/۵۳۸	$<0/001$	-۰/۴۴۲۴۲	-۰/۴۶۷۶	-۰/۴۱۷۲	نا مطلوب
	دسترسی به مراقبت بهداشتی	۳۳/۹۵۸	$<0/001$	۰/۵۵۶۹۵	۰/۵۲۴۷	۰/۵۸۹۲	مطلوب
	تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی	۳۶/۷۸۸	$<0/001$	۰/۵۶۸۹۳	۰/۵۳۸۵	۰/۵۹۹۳	مطلوب
	دسترسی به بازار	-۳۳/۸۵۸	$<0/001$	-۰/۴۴۱۶۷	-۰/۴۶۷۳	-۰/۴۱۶	نا مطلوب
	دسترسی به نهادهای مالی و تسهیلاتی	۳۳/۳۴۱	$<0/001$	۰/۵۴۴۴	۰/۵۱۲۳	۰/۵۷۶۵	مطلوب
	توسعه زیرساخت‌های اقتصادی	-۳۳/۷۸۳	$<0/001$	-۰/۴۴۳۸	-۰/۴۶۹۶	-۰/۴۱۸	نا مطلوب
	دسترسی به مسکن مناسب	-۳۴/۳۱	$<0/001$	-۰/۴۳۷۱۶	-۰/۴۶۲۲	-۰/۴۱۲۱	نا مطلوب

کالبدی	بهبود ساختار جاده و راه روستایی	۳۳/۵۸۹	<۰/۰۰۱	۰/۴۲۷۵۸	۰/۴۵۲۶	۰/۴۰۲۵	نا مطلوب
	جلوگیری از تغییر کاربری اراضی روستایی	۳۲/۶۶۲	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۴۳۸	۰/۴۶۰۵	۰/۴۰۸۲	نا مطلوب
زیست محیطی	بهبود وضعیت شبکه فاضلاب	۳۵	<۰/۰۰۱	۰/۵۶۶۴۸	۰/۵۳۴۷	۰/۵۹۸۳	مطلوب
	ایمن سازی زیرساخت ها	۳۴/۵۷۳	<۰/۰۰۱	۰/۵۵۴۷۱	۰/۵۲۳۲	۰/۵۸۳۶	مطلوب
	توسعه متوازن روستایی	۳۶/۱۸۶	<۰/۰۰۱	۰/۴۸۰۱	۰/۵۰۴۸	۰/۴۵۵۴	نا مطلوب
	بهسازی محیطی	۳۳/۲۳۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۰۶۵	۰/۴۵۶۱	۰/۴۰۵۲	نا مطلوب
	حفاظت از محیط زیست	۳۷/۰۰۵	<۰/۰۰۱	۰/۴۵۹۷۱	۰/۴۸۴۱	۰/۴۳۵۳	نا مطلوب
	کاهش آسیب های ناشی از بلایای طبیعی	۳۴/۲۰۲	<۰/۰۰۱	۰/۴۴۵۶	۰/۴۷۱۲	۰/۴۲	نا مطلوب
نهادی - مدیریتی	جمع آوری و دفع زباله ها	۳۴/۰۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۸۶۵	۰/۴۶۴	۰/۴۱۳۳	نا مطلوب
	آموزش زیست محیطی	۳۱/۶۷۱	<۰/۰۰۱	۰/۴۰۱۴۱	۰/۴۲۶۳	۰/۳۷۶۵	نا مطلوب
	هماهنگی و شفافیت در برنامه های توانمندسازی	۳۴/۲۹۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۶۵۱	۰/۴۶۱۵	۰/۴۱۱۵	نا مطلوب
	قابلیت ها و تأثیر گذاری برنامه های توانمندسازی	۳۶/۳۸۵	<۰/۰۰۱	۰/۴۵۲۲۷	۰/۴۷۶۷	۰/۴۲۷۸	نا مطلوب
	قوانین و مقررات توانمندسازی	۳۵/۰۸۱	<۰/۰۰۱	۰/۴۴۸۷۸	۰/۴۷۳۹	۰/۴۲۳۶	نا مطلوب
	بودجه های مرتبط با توانمندسازی	۳۵/۰۵۶	<۰/۰۰۱	۰/۴۵۱۶۴	۰/۴۷۷	۰/۴۲۶۳	نا مطلوب
سیاسی	مدیریت اثربخشی	۳۴/۲۵۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۱۶۴	۰/۴۵۶۴	۰/۴۰۶۹	نا مطلوب
	داده محوری در مدیریت روستا	۳۲/۸۷۲	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۵۳۶	۰/۴۶۱۴	۰/۴۰۹۳	نا مطلوب
	برنامه ریزی و الگوی توسعه	۳۳/۵۰۵	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۵۳۲	۰/۴۵۹	۰/۴۰۸۱	نا مطلوب
	عدم تبعیض سیاسی در تخصیص منابع	۳۳/۹۴۴	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۸۵۷	۰/۴۶۴	۰/۴۱۳۲	نا مطلوب
	مشارکت سیاسی روستاییان	۳۷/۸۰۴	<۰/۰۰۱	۰/۴۸۰۷۳	۰/۵۰۵۷	۰/۴۵۵۷	نا مطلوب
	تعارض منافع میان نهادهای مختلف	۳۳/۹۲۸	<۰/۰۰۱	۰/۴۴۹۲۲	۰/۴۷۵۳	۰/۴۲۳۲	نا مطلوب
ذهنی روانشناختی	توسعه آگاهی سیاسی	۳۳/۸۳۱	<۰/۰۰۱	۰/۴۴۳۹۶	۰/۴۶۹۸	۰/۴۱۸۲	نا مطلوب
	ظرفیت ها و توانمندی های بین المللی	۳۵/۱۰۵	<۰/۰۰۱	۰/۴۳۸۶۲	۰/۴۶۳۲	۰/۴۱۴۱	نا مطلوب
	ادراک عدالت	۳۵/۲۶	<۰/۰۰۱	۰/۴۴۲۵	۰/۴۶۷۲	۰/۴۱۷۸	نا مطلوب
	عزت نفس و خودباوری	۳۴/۹۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۴۶۰۳۹	۰/۴۸۶۳	۰/۴۳۴۵	نا مطلوب
	ادراک هویت محلی و احساس تعلق	۳۴/۱۸۹	<۰/۰۰۱	۰/۵۸۰۸۹	۰/۵۴۷۵	۰/۶۱۴۳	مطلوب
	انگیزه اجتماعی	۳۳/۲۹۸	<۰/۰۰۱	۰/۵۴۰۱۸	۰/۵۰۸۳	۰/۵۷۲۱	مطلوب

(داداش پور و داهی، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۰ و جعفری نیا، ۱۳۹۸: ۹۰ و حیدری و صائب، ۹۸: ۷۰ و نصیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۷۹ و افراخته و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۵ و اکبریان رونیزی و همکاران، ۱۴۰۴: ۷۰ و ایمانی و جعفری، ۱۴۰۳: ۱۰۴)

نتایج حاصل از آزمون میانگین یک جامعه برای ارزیابی وضعیت مؤلفه های منظر عدالت فضایی نشان می دهد که از میان ۴۴ زیرمؤلفه مورد بررسی، تنها ۸ مؤلفه وضعیت مطلوب و باقی مؤلفه ها وضعیت نامطلوب دارند. مقدار مبنای این آزمون عدد ۳ در نظر گرفته شده است و مؤلفه هایی که میانگین آن ها به طور معنادار کمتر از ۳ بوده اند به عنوان مؤلفه های دارای وضعیت نامطلوب در نظر گرفته شده اند. همچنین نتایجی که حد پایین و بالای بازه اطمینان آن ها کاملاً منفی است، دلالت بر این دارند که میانگین آن مؤلفه با اطمینان ۹۵ درصد پایین تر از حد متوسط ارزیابی شده و بنابراین نیاز به مداخله و بهبود دارد. در این میان، مؤلفه هایی نظیر «تغییر سبک زندگی»، «مشارکت اجتماعی و نقش آفرینی محلی»، «دسترسی به مراقبت بهداشتی»، «تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی»، «دسترسی به نهادهای مالی و تسهیلاتی»، «بهبود وضعیت شبکه فاضلاب»، «ایمن سازی زیرساخت ها»، «ادراک هویت محلی و احساس تعلق» و «انگیزه اجتماعی»

دارای میانگینی بالاتر از ۳ و بازه اطمینان مثبت بوده‌اند و در نتیجه، وضعیت آن‌ها از دیدگاه پاسخ‌دهندگان مطلوب ارزیابی شده است. در مقابل، اکثریت مؤلفه‌ها در وضعیت نامطلوب قرار دارند.

این تحلیل، تصویر وضعیت موجود را با شفافیت نشان می‌دهد. نکته بسیار مهم، شکاف عمیق بین قدرت تأثیر یک شاخص و ضریب SEM و وضعیت عینی مؤلفه‌های آن (میانگین تفاوت) است:

شاخص‌های با نفوذ قوی اما وضعیت بحرانی: شاخص‌هایی که در مدل ساختاری به عنوان «پیشران‌های کلیدی» شناسایی شدند (سیاسی، اجتماعی و ذهنی)، در آزمون t وضعیت کاملاً نامطلوبی دارند. برای مثال، تمام مؤلفه‌های شاخص سیاسی (با ضریب ۰/۶۴) دارای میانگین تفاوت منفی و وضعیت نامطلوب هستند. این یعنی بزرگ‌ترین پتانسیل‌ها برای تحقق عدالت، در بدترین وضعیت خود به سر می‌برند. «مشارکت سیاسی روستاییان» با میانگین تفاوت ۰/۴۸ - بدترین وضعیت را در این میان دارد. نقاط امیدبخش (وضعیت مطلوب): مؤلفه‌های محدودی وضعیت مطلوب دارند که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: ارتقای زیرساخت‌های فیزیکی: بهبود شبکه فاضلاب و «ایمن‌سازی زیرساخت‌ها» در شاخص کالبدی. برنامه‌های رفاهی و حمایتی: دسترسی به مراقبت بهداشتی، «تنوع‌بخشی اقتصادی» و «دسترسی به تسهیلات مالی» در شاخص اقتصادی. ظرفیت‌های درونی و فرهنگی: تغییر سبک زندگی، «مشارکت اجتماعی»، «احساس تعلق» و «انگیزه اجتماعی» در شاخص‌های اجتماعی و روانشناختی. شکست سیستماتیک در حوزه‌های نرم و سخت: شاخص‌های «زیست‌محیطی» و «نهادی-مدیریتی» با ۱۰۰ درصد مؤلفه‌های نامطلوب، نشان‌دهنده فروپاشی سیستماتیک در این دو حوزه هستند. این یعنی برنامه‌های توانمندسازی هم در حفاظت از محیط زیست (سرمایه طبیعی) و هم در ایجاد ساختارهای کارآمد و شفاف (سرمایه نهادی) کاملاً شکست خورده‌اند. منطقه مورد مطالعه در چنبره «توسعه‌ای کژتاب» گرفتار است. از یک سو «پیشران‌های کلیدی» عدالت فضایی (سیاست، فرهنگ، ذهنیت) که قوی‌ترین ظرفیت‌ها را دارند، به شدت تضعیف شده‌اند. از سوی دیگر، حوزه‌هایی که وضعیت بهتری دارند (مانند برخی خدمات اقتصادی و زیرساختی) تأثیر کمتری بر عدالت فضایی می‌گذارند. به عبارت دیگر، پیشرفت‌ها در حوزه‌ای رخ داده که کمترین اولویت و قدرت تأثیر را دارد، در حالی که حوزه‌های حیاتی در وضعیت فروپاشی به سر می‌برند. این شکاف عمیق نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه نتوانسته‌اند به هسته اصلی عدالت‌سازی یعنی توانمندسازی سیاسی، مشارکت اجتماعی و ارتقای سرمایه‌های روانشناختی دست یابند.

مقایسه شاخص‌های عدالت فضایی در دو نقطه کوهستانی و کوهپایه‌ای

در این بخش به منظور مقایسه بین وضعیت عدالت فضایی در دو نقطه کوهستانی (روستاها و سوادکوه) و کوهپایه ای (روستاها و سوادکوه شمالی) از آزمون T تک نمونه ای استفاده شده است. نتایج این آزمون در قالب جدول شماره ۶ ارائه شده است:

جدول شماره ۶. مقایسه شاخص‌های عدالت فضایی در دو نقطه کوهستانی و کوهپایه ای با استفاده از آزمون T تک نمونه

ای (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

متغیر	سطح معنی داری	آماره t	حد بالا	حد پایین	میانگین کوهستانی	میانگین کوهپایه ای
اجتماعی	۰/۰۰۴	۲۴/۲۳	۰/۴۵۸	۰/۹۶۸	۲/۸۷	۲/۹۷
اقتصادی	۰/۰۰۰	۲۱/۲۳	۰/۴۲۸	۰/۷۴۵	۲/۶۸	۲/۹۹
کالبدی	۰/۰۰۱	۲۰/۷۸	۰/۷۴۵	۰/۸۶۵	۲/۵۷	۲/۸۷
زیست‌محیطی	۰/۰۰۰	۲۸/۸۸	۰/۸۵۶	۰/۷۵۶	۲/۶۷	۲/۴۵
مدیریتی	۰/۰۰۰	۲۹/۱۴	۰/۷۴۵	۰/۷۴۸	۲/۴۱	۲/۸۷

سیاسی	۰/۰۰۱	۲۷/۴۵	۰/۹۵۶	۰/۶۹۸	۲/۶۵	۲/۸۷
روان شناختی	۰/۰۰۲	۲۴/۳۵	۰/۴۷۵	۰/۵۷۸	۲/۹۸	۳/۱۲

نتایج آزمون مقایسه میانگین شاخص های عدالت فضایی در دو نقطه کوهستانی (سوادکوه) و کوهپایه ای (سوادکوه شمالی) نشان می دهد که در تمام ابعاد مورد بررسی اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی، مدیریتی، سیاسی و روان شناختی اختلاف معناداری بین میانگین روستاییان کوهستانی و کوهپایه ای وجود دارد (همگی سطوح معنی داری کمتر از ۰/۰۵). در مجموع می توان گفت که روستاهای کوهپایه ای شهرستان سوادکوه شمالی در تمامی ابعاد عدالت فضایی به استثنای شاخص زیست محیطی از وضعیت بهتری نسبت به روستاهای کوهستانی سوادکوه برخوردارند. علت این تفاوت گسترده ریشه در ترکیبی از دسترسی جغرافیایی، زیرساخت های کالبدی، فرصت های اقتصادی و شبکه های اجتماعی دارد. برای بهبود عدالت فضایی در مناطق کوهستانی، لازم است علاوه بر تقویت زیرساخت ها و ایجاد فرصت های درآمدزایی، توجه ویژه ای به ارتقای مهارت های مدیریتی محلی، افزایش مشارکت سیاسی و ارتقای آگاهی محیط زیستی و اجتماعی صورت گیرد. طراحی برنامه های هدفمند با رویکرد مشارکتی، بهره گیری از فناوری های نوین برای تسهیل ارتباط، و ایجاد شبکه های مالی محلی می تواند گام مؤثری در کاهش شکاف عدالت فضایی بین این دو گروه روستایی باشد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف سنجش عدالت فضایی در سکونتگاه های روستایی شهرستان های سوادکوه (کوهستانی) و سوادکوه شمالی (کوهپایه ای) انجام شد. یافته ها وجود نابرابری های عمیق و چندبعدی را در منطقه تأیید می کند. از مجموع ۴۴ مؤلفه بررسی شده، تنها ۸ مؤلفه (۱۸ درصد) در وضعیت مطلوب قرار داشتند که عمدتاً مربوط به ابعاد روان شناختی-ذهنی و برخی ظرفیت های اجتماعی-مشارکتی است. مهم ترین یافته پژوهش، وضعیت مطلوب تر بعد روان شناختی-ذهنی در مناطق کوهستانی (میانگین ۲/۹۸) نسبت به کوهپایه ای (میانگین ۳/۱۲) است. این پدیده نشان می دهد که ساکنان روستاهای کوهستانی سوادکوه علیرغم محرومیت بیشتر در ابعاد عینی (کالبدی، اقتصادی، خدماتی)، از سرمایه اجتماعی درونی شده، همبستگی جمعی قوی تر و هویت محلی متمایزتری برخوردارند که به عنوان سپر دفاعی روان شناختی عمل می کند. میانگین پایین تر تمامی ابعاد عینی عدالت در مناطق کوهستانی (تفاوت ۰/۱۴ تا -۰/۴۶) تأیید می کند که محدودیت های توپوگرافی، پراکندگی جمعیت و دشواری دسترسی، این مناطق را در اولویت های پایین تر تخصیص منابع قرار داده است. بیشترین شکاف مربوط به ابعاد مدیریتی (-۰/۴۶) و اقتصادی (-۰/۳۱) است. وضعیت بحرانی ابعاد نهادی-مدیریتی و سیاسی (عدم وجود هیچ مؤلفه مطلوب) نشان می دهد که ناکارآمدی مدیریت، عدم شفافیت، ضعف در برنامه ریزی داده محور و مشارکت پایین سیاسی، مانع اصلی تحقق عدالت فضایی است. تلفیق یافته ها نشان می دهد که محدودیت های جغرافیایی با ضعف در زیرساخت های کالبدی و اقتصادی و تضعیف شاخص های اجتماعی و زیست محیطی و در نتیجه تشدید مهاجرت و تخلیه روستاها، یک چرخه معیوب محرومیت را در مناطق کوهستانی شکل داده است. این یافته تأیید می کند که محدودیت های جغرافیایی و توپوگرافی کوهستانی، به عنوان یک عامل ساختاری، دستیابی به عدالت فضایی را با چالش های بسیار بیشتری روبرو ساخته و منجر به محرومیت عمیق تر در روستاهای سوادکوه شده است. ضعف در زیرساخت های کالبدی (راه، مسکن، فاضلاب) و اقتصادی (دسترسی به بازار، تسهیلات، تنوع فعالیت) در کوهستان ها، بستر را برای محرومیت در ابعاد اجتماعی، زیست محیطی و نهادی فراهم کرده است. مهم ترین و شگفت انگیزترین یافته این تحقیق، قوت نسبی بعد روان شناختی-ذهنی در مناطق کوهستانی بود. میانگین آماره t برای این بعد در کوهستان ها (روستاهای سوادکوه) بالاتر از ۳ و در کوهپایه ها (روستاهای سوادکوه شمالی) ۲،۹۸ بود که نشان دهنده وضعیت مطلوب تر ساکنین کوهستان در شاخص هایی مانند عزت نفس، خودباوری، انگیزه اجتماعی و احساس

تعلق و هویت محلی است. این پدیده، "پارادوکس تاب‌آوری ذهنی در برابر محرومیت عینی" را در جوامع روستایی کوهستانی سوادکوه آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد ساختارهای اجتماعی سنتی‌تر، همبستگی جمعی قوی‌تر و هویت محلی متمایز در این مناطق، علیرغم فشارهای محیطی و اقتصادی شدید، به تقویت این ابعاد درونی و روانی منجر شده است. تحلیل شاخص‌های نهادی-مدیریتی و سیاسی در هر دو منطقه، به ویژه کوهستانی، ضعف شدید در حکمرانی را به عنوان یک عامل بنیادین و تشدیدکننده محرومیت‌ها نشان داد. ناکارآمدی مدیریت، عدم شفافیت، ضعف در برنامه‌ریزی مبتنی بر داده، تبعیض در تخصیص منابع و مشارکت پایین سیاسی روستاییان، مانع اصلی تخصیص عادلانه منابع و اجرای مؤثر برنامه‌های توانمندسازی و توسعه در این مناطق است. نتایج این تحقیق نشان داد که عدالت فضایی، یک فرآیند چندبعدی و پیچیده است که تحت تأثیر عوامل متنوع اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی، مدیریتی، سیاسی و روان‌شناختی قرار دارد. یافته‌های پژوهش حاضر در قالب مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که تمامی ابعاد اصلی مورد بررسی تأثیر معناداری بر تحقق عدالت فضایی دارند. عوامل روان‌شناختی-ذهنی با ضریب رگرسیون $0/68$ و عدد معناداری $8/65$ بالاترین تأثیر را داشتند، که حاکی از اهمیت عزت‌نفس، احساس تعلق و انگیزه‌های درونی در ارتقای عدالت فضایی بود. پس از آن، عوامل سیاسی با ضریب $0/64$ و عدد معناداری $9/12$ در جایگاه دوم قرار گرفتند، که نقش مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های محلی را در تحقق عدالت فضایی در روستاها برجسته ساختند. از سوی دیگر، نتایج آزمون T تک نمونه‌ای یک جامعه نشان داد که بیشتر شاخص‌ها و مؤلفه‌های عدالت فضایی در وضعیت نامطلوب قرار دارند. تنها در برخی مؤلفه‌ها از جمله تغییر سبک زندگی، مشارکت اجتماعی، دسترسی به خدمات بهداشتی، تنوع فعالیت‌های اقتصادی، و احساس تعلق محلی، وضعیت مطلوبی مشاهده شد که نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌های انسانی و روانی مثبت در روستاهای مورد مطالعه در هر دو شهرستان است. نتایج حاصل از تحلیل شاخص‌های عدالت فضایی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های سوادکوه (کوهستانی) و سوادکوه شمالی (کوهپایه‌ای)، تصویری پیچیده و گاه متناقض از وضعیت عدالت در این مناطق ارائه می‌دهد. یافته کلیدی و قابل توجه، تمایز چشمگیر بعد روانشناختی-ذهنی نسبت به سایر ابعاد است. میانگین آماره t برای این بعد در مناطق کوهستانی (بالاتر از ۳) و کوهپایه‌ای (۲,۹۸) نشان‌دهنده تفاوت معنادار و مثبت در ادراکات ساکنین روستاهای کوهستانی در مقایسه با کوهپایه‌ای است. محیط‌های کوهستانی با وجود محدودیت‌های فیزیکی، اغلب دارای ساختارهای اجتماعی سنتی‌تر، همبستگی قبیله‌ای یا خانوادگی قوی‌تر و هویت جمعی متمایزتری هستند که می‌تواند به تقویت این ابعاد ذهنی منجر شود. این یافته با تحقیق آنتونسکی (۱۹۸۷) که به نقش برجسته سرمایه اجتماعی درونی و هویت محلی در افزایش تاب‌آوری ساکنین اشاره کرده است، همخوانی دارد. این وضعیت در مناطق کوهستانی به مراتب ضعیف‌تر از کوهپایه‌ای است. این یافته‌ها کاملاً با نظریه‌های عدالت فضایی سوگا (۲۰۱۰) و هاروی (۱۹۷۳) و تحقیقات تجربی در زمینه توسعه روستایی ایران همسو است. محدودیت‌های جغرافیایی مناطق کوهستانی مستقیماً بر شاخص‌های کالبدی و اقتصادی تأثیر منفی گذاشته است. نتایج تحقیقات فائو در سال ۲۰۱۷ بیان‌کننده این است که ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی و کالبدی، به نوبه خود، بر شاخص‌های اجتماعی (افزایش سرمایه اجتماعی، آگاهی، بهبود وضعیت زنان، کیفیت زندگی، جلوگیری از مهاجرت، برابری دسترسی) و زیست‌محیطی (بهبود محیطی، حفاظت، کاهش آسیب‌های بلایا، جمع‌آوری زباله، آموزش زیست‌محیطی) سایه انداخته است. این زنجیره علت و معلولی، نشان‌دهنده چرخه معیوب محرومیت در مناطق کوهستانی است که در آن محدودیت‌های فیزیکی، توسعه متوازن را مختل کرده و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها و منابع را کاهش می‌دهد. ضعف در ابعاد نهادی-مدیریتی (قوانین، بودجه، مدیریت اثربخشی، داده‌محوری، برنامه‌ریزی) و سیاسی (عدم تبعیض، مشارکت سیاسی، تعارض منافع، توسعه آگاهی سیاسی، ظرفیت‌های بین‌المللی) در هر دو منطقه، به ویژه کوهستانی، به عنوان یک عامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده محرومیت‌ها شناسایی می‌شود. ناکارآمدی مدیریت، عدم شفافیت، ضعف در برنامه‌ریزی مبتنی بر داده و تبعیض در تخصیص منابع، مانع اصلی تحقق عدالت فضایی است. این یافته با گزارش OECD در سال ۲۰۲۰ همخوانی دارد. مشارکت پایین سیاسی روستاییان کوهستانی (میانگین t منفی و پایین)

نیز می تواند ناشی از احساس بی اثری یا عدم دسترسی به کانال های مؤثر مشارکت باشد. بر اساس نتایج این تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

پیشنهادهای ویژه روستاهای کوهستانی (سواد کوه):

- ✓ ایجاد تکمیل و به سازی راه های روستایی با اولویت روستاهای فاقد دسترسی آسفالت در کوتاه مدت.
- ✓ ایجاد صندوق های سرمایه گذاری محلی با تسهیلات کم بهره برای توسعه گردشگری کوهستانی و صنایع دستی.
- ✓ استقرار سیستم مدیریت داده محور در دهیاری ها با آموزش کارکنان محلی.
- ✓ راه اندازی مراکز خدمات جامع روستایی سیار با اولویت خدمات بهداشتی و آموزشی.
- ✓ تشکیل تعاونی های توسعه روستایی با مشارکت مردم محلی برای تصمیم گیری در تخصیص منابع.

پیشنهادهای ویژه روستاهای کوهپایه ای (سواد کوه شمالی):

- ✓ تنوع بخشی به فعالیت های اقتصادی با حمایت از کشاورزی مدرن و فرآوری محصولات.
- ✓ اجرای برنامه های مدیریت پسماند و آموزش زیست محیطی برای مقابله با آلودگی ها.
- ✓ ساماندهی شبکه فاضلاب و بهبود سیستم دفع آب های سطحی.
- ✓ طراحی برنامه های توانمندسازی اجتماعی با تأکید بر حفظ جمعیت جوان و پیشگیری از مهاجرت.
- ✓ ایجاد کانال های مؤثر مشارکت سیاسی محلی از طریق شوراهای توسعه روستایی.

پیشنهادهای مشترک هر دو منطقه:

- ✓ ایجاد سامانه پایش و اطلاعات مکانی روستاها (GIS) برای برنامه ریزی عادلانه.
- ✓ راه اندازی برنامه های توانمندسازی روان شناختی - اجتماعی با بهره گیری از ظرفیت های محلی.
- ✓ اصلاح ساختار مدیریت محلی با تفویض اختیار به دهیاری ها و شوراها.
- ✓ تدوین سند توسعه متوازن منطقه ای با هدف کاهش شکاف کوهستان - کوهپایه.
- ✓ طراحی بسته های تشویقی برای ماندگاری جمعیت جوان و متخصص در روستاها.

محدودیت های پژوهش

- ✓ صعوبت دسترسی به برخی روستاهای کوهستانی صعب العبور در شهرستان سواد کوه شمالی، جمع آوری داده ها را با تأخیر و دشواری همراه ساخت.
- ✓ عدم دسترسی به داده های به روز و تفکیک شده در سطح روستاها، امکان تحلیل ثانویه و اعتبارسنجی یافته ها را محدود کرد.
- ✓ محدودیت زمانی، امکان پیمایش گسترده تر و استفاده از روش های ترکیبی (کیفی - کمی) را فراهم نداشت.
- ✓ اتکای اصلی پژوهش به داده های پیمایشی و عدم امکان استفاده از تحلیل های فضایی مبتنی بر GIS، از محدودیت های روش شناختی پژوهش است.
- ✓ با توجه به ویژگی های خاص منطقه مورد مطالعه، تعمیم نتایج به سایر مناطق کوهستانی و کوهپایه ای کشور باید با احتیاط صورت گیرد.
- ✓ عدم ارائه نقشه های عدالت فضایی به دلیل نبود داده های مکانی در این راستا در محدوده مورد مطالعه.

سیاسگذاری: این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد. نویسندگان از همه کسانی که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند، به ویژه کسانی که کار ارزیابی مقالات را انجام دادند، تشکر و قدردانی می نمایند.

حامی مالی: بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش: همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

References

- Afraakhte, H., Hajipour, M., Gerazin, M., & Nejati, B., 2013. The position of sustainable agricultural development in Iran's development plans (case study: five-year plans after the Revolution). *Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies*, 1(1), 103–125. https://www.jmsp.ir/article_3269.html (In Persian)
- Akbarian, R., Khodabakhshi, R., Nasiri, R., & Zarghani, A., 2025. Evaluating spatial justice in the distribution of public services in villages of Chaharmahal and Bakhtiari Province. *Journal of Geography and Human Relations*, 8(2), 48–67. https://www.gahr.ir/article_210771.html (In Persian)
- Antonovsky, A., 1987. Unraveling the mystery of health: How people manage stress and stay well. Jossey-Bass. <https://psycnet.apa.org/record/1987-97506-000>
- Bavnæk, K. F., & Thuesen, A. A., 2025. Navigating spatial justice: Exploring municipal planners' logics in differentiated village planning. *Journal of Rural Studies*, 114, 103496. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2024.103496>
- Bi, G., & Yang, Q., 2023. The spatial production of rural settlements as rural homestays in the context of rural revitalization: Evidence from a rural tourism experiment in a Chinese village. *Land Use Policy*, 128, 106600.
- Cardoso, A., & Breda-Vázquez, I., 2007. Territorial governance and spatial justice. *European Planning Studies*, 15(1), 1–18.
- Costanza, R., 2020. Valuing natural capital and ecosystem services toward the goals of efficiency, fairness, and sustainability. *Ecosystem Services*, 43, 101096. <https://doi.org/10.1016/j.ecoser.2020.101096>
- Cox, K., 2019. Local autonomy, development and spatial justice: Lessons from the United States. *Justice Spatiale/Spatial Justice*, 13. <https://shs.hal.science/halshs-02390772v1>
- Dadashpour, H., & Vedadi, M., 2019. Local integrated development planning: Theoretical and operational framework for Iran. Tehran: Islamic Revolution Housing Foundation. <http://noo.rs/WNTck> (In Persian)
- FAO, 2017. Leaving no one behind: A rural development report. Food and Agriculture Organization of the United Nations. <https://openknowledge.fao.org/handle/20.500.14283/i7658en>
- Fainstein, S. S., 2010. *The just city*. Cornell University Press.
- Foucault, M., 1993. Space, knowledge, and power. In J. Faubion (Ed.), *Essential Works of Foucault* (Vol. 3, pp. 349–364). New Press. <https://www.researchgate.net/publication/286878830>
- Goodwin-Hawkins, B., Mahon, M., Farrell, M., & Jones, R. D., 2023. Situating spatial justice in counter-urban lifestyle mobilities: Relational rural theory in a time of crisis. *Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, 105(4), 379–394. <https://doi.org/10.1080/04353684.2022.2086895>
- Habermas, J., 1990. *The theory of communicative action*. Beacon Press.
- Harvey, D., 1973. *Social justice and the city*. Johns Hopkins University Press.
- Harvey, D., 1996. *Justice, nature and the geography of difference*. Blackwell.

- Harvey, D., 2009. Social justice and the city. Revised edition. University of Georgia Press.
- Hayes, K., Coxon, K., & Bye, R. A., 2025. Rural and remote health care: The case for spatial justice. *Rural and Remote Health*, 25(1), 1–9. <https://doi.org/10.22605/rrh8580>
- He, Y., & Zhou, G., 2021. Assessing spatial equity in rural public service provision. *Sustainability*, 13(4), 1456.
- Heydari Sarban, V., & Saeb, S., 2019. Explaining the relationship between social justice and sense of social security among residents of rural areas in Ardabil County. *Regional Planning*, 9(36), 67–82. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1398.9.36.5.4> (In Persian)
- Imani, B., & Jafari, S., 2024. Measuring the level of spatial justice in the distribution of rural sustainable development indicators: Case study of villages of Ardabil County. *Journal of Land Geographical Engineering*, 8(2), 149–162. <https://doi.org/10.22034/jget.2023.302799.1353> (In Persian)
- Jafari Nia, A., 2019. Social justice, spatial justice, and development. *Journal of Rural Development*, 9(37), 87–102. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1398.10.37.16.5> (In Persian)
- Kolak, M. A., & Moise, I. K., 2025. Place and the social-spatial determinants of health. Springer.
- Madanipour, A., et al., 2023. Integrated spatial justice. *Progress in Human Geography*, 47(1), 112–130.
- Mark, L., et al., 2025. Socio-spatial justice through public participation? A mixed-methods analysis of distributive justice in a consultative transport planning process in Germany. *Case Studies on Transport Policy*, 20, 101467. <https://doi.org/10.1016/j.cstp.2025.101467>
- Massey, D., 2013. Space, place and gender. Polity Press.
- Moroni, S., & De Franco, A., 2024. Spatial justice: A fundamental or derivative notion? *City, Culture and Society*, 38, 100593. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2024.100593>
- Nasiri Lakeh, M., Mollaie Heshjin, N., & Poorramazan, E., 2022. Pathology of the modern rural management system and rural development (case study: Central District of Gilan). *Human Settlements Planning Studies*, 17(3), 665–677. <https://www.magiran.com/p2551755> (In Persian)
- Nyamai, D. N., & Schramm, S., 2023. Accessibility, mobility, and spatial justice in Nairobi, Kenya. *Journal of Urban Affairs*, 45(3), 367–389. <https://doi.org/10.1080/07352166.2022.2071284>
- Özelik, Z., & Hamamcioglu, C., 2025. From district to street: A multi-scale analysis of spatial justice through the 15-minute city framework in Beyoğlu, Istanbul. *Journal of Urban Mobility*, 8, 100163. <https://doi.org/10.1016/j.urbmob.2025.100163>
- Peters, B. G., 2019. Institutionalism in spatial justice. *Policy Sciences*, 52(3), 345–362.
- Pirie, G., 1983. On spatial justice. *Environment and Planning A*, 15(6), 465–471.
- Sandel, M., 2007. Justice: What's the right thing to do? Farrar, Straus and Giroux.
- Shucksmith, M., Brooks, E., & Madanipour, A., 2021. LEADER and spatial justice. *Sociologia Ruralis*, 61, 322–343. <https://doi.org/10.1111/soru.1233>
- Sjaf, S., Sampean, S., & Maddatuang, M., 2025. Analysis of spatial inequality and rural development in the supporting region for Nusantara Capital City, Indonesia. *Progress in Disaster Science*, 9, 100286. <https://doi.org/10.1016/j.pdisas.2025.100286>
- Soja, E. W., 2009. The city and spatial justice. *Spatial Justice*, 1. <https://www.jssj.org>
- Soja, E. W., 2010. Seeking spatial justice. University of Minnesota Press.

- Songkai, L., & Zhijun, L., 2025. The equity and coupling coordination of ecosystem services and residents' well-being in Jiangxi Province from the perspective of spatial justice. *Sustainable Cities and Society*, 126, 106395. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2025.106395>
- Tzanni, O., Nikolaou, P., Giannakopoulou, S., Arvanitis, A., & Basbas, S., 2023. Social dimensions of spatial justice in the use of the public transport system in Thessaloniki, Greece. *Land*, 11(11), 2032. <https://doi.org/10.3390/land11112032>
- Wang, Y., 2023. Sustainable urban development. *Nature Sustainability*, 6(1), 12–25.
- Wang, Y., Wang, Y., & Xu, J., 2025. Residents' perceptions and governance pathways of spatial justice in tourist villages: The case of Da Lingnan and Xiao Lingnan Villages. *Journal of Ecotourism*, 15(5), 960–975.
- Wei, S., Huang, J., & Zhang, Z., 2025. The impact of land development rights transfer on urban–rural spatial justice: A case study of Chongqing's land quota trading. *Land*, 14(1), 174. <https://doi.org/10.3390/land14010174>
- Wolff, C., Schaffert, M., Cruz, C., & Cherifi, H., 2024. Interdependencies in spatial planning and well-being in rural areas. In *Sustainable and Equitable Land Management* (pp. 1–16). vdf Hochschulverlag AG. <https://doi.org/10.3218/4172-9>
- Wu, W. J., Fu, X., Chen, Q., Sidike, A., Tusiyyiti, A., & Zhao, Y. M., 2025. County-level multi-dimensional evaluation on the quality of urban-rural integration development in Xinjiang from the perspective of spatial justice. *Hubei Agricultural Sciences*, 64(5), 207–214. <https://doi.org/10.14088/j.cnki.issn0439-8114.2025.05.032>
- Yazar, Z., 2020. Environmental justice dimensions. *Global Environmental Change*, 65, 102187.
- Young, I. M., 2020. *Justice and the politics of difference*. Princeton University Press.
- Zeng, S., & Tang, C., 2020. Spatial justice and rural revitalization: A case study of China's rural planning. *Journal of Rural Studies*, 78, 1–12.
- Zhu, J., & Guo, Y., 2022. Social justice in spatial change: Transition from autonomous rural development to integrated urbanization in China. *Cities*, 122, 103539. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103539>